

## ORIGINAL ARTICLE

### هدایه المتعلمین فی الطب اولین کتاب پزشکی نوشته شده در زبان پارسی

#### *Hedayat al-Motealemin fi Teb: the Oldest Medical Treatise in the Persian Language*

Mohammad Kalantari Meibodi<sup>1</sup>, Mohammad Reza Askarpour<sup>2,3</sup>, Hosein Esnaashary<sup>2,3</sup>,  
Golnoush Sadat Mahmoudi Nezhad<sup>2,3</sup>, Hassan Yarmohammadi<sup>2,3</sup>

1- Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

2- Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

3- Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.

**Correspondence:** Golnoush Sadat Mahmoudi Nezhad, Medical student; Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran; golnooshm.mahmoodi@gmail.com

#### Abstract

“*Hedayat al-Motealemin fi Teb*”, written by Abobakr Ebn Ahmad Akhveini in the Fourth century, (AH) is his only book left to the present time. From historical prospective, it is, by far, the first medicine book written in Farsi. Today, there are only three copies of the book kept in Badlyan libraries of Oxford, Fateh library of Istanbul and Malek library of Tehran. The reviews done on the three copies assert that the Bodlyan version is the oldest version and the closest one to the original book. From linguistic point of view, the book, containing a lot of information in fields of writing and orthography, verifies the power of Persian language in that era to fully fulfill the needs for writing a comprehensive medical text. Since the scientific aspect of this precious medical book has not been fully investigated, a review of the book will not only show the high status of Akhveini in medical history but also provide novel information on Akhveini's therapeutic methods, leading to the studies which help to invent new complementary treatment methods in medicine. In this study, we will review the book, taking linguistic viewpoints and the texture of the book into account.

محمد کلانتری میبودی<sup>۱</sup>

محمد رضا عسکرپور<sup>۲,۳</sup>

حسین اثنی عشری<sup>۲,۳</sup>

گلنوش سادات محمودی نژاد<sup>۲,۳</sup>

حسن یار محمدی<sup>۲,۳</sup>

۱- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی

شیراز، شیراز، ایران

۳- دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم

پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: گلنوش سادات محمودی نژاد، دانشجویی

پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز،

شیراز، ایران

golnooshm.mahmoodi@gmail.com



This is followed by discussing the bibliography of the three copies, and finding their differences. Finally, after illustrating the scientific features of the book, we provide some evidence, witnessing the status of this book in the history of medical sciences.

**Key words:** *Al-Akhawayni Bukhari*, Hidayat, *Hedayat al-Motealemin fi Teb*, Persian Medicine

Received: 27 Aug 2013; Accepted: 10 Nov 2014; Online published: 8 May 2015

**Research on History of Medicine/ 2015 May; 4(2): 99-108**

- 1- Sajadi, 2012: 976-980.
- 2- Golzari, 2012: 229-234.
- 3- Sajadi, 2012: 976-980.

### خلاصه مقاله

هدایه المتعلمین فی الطب تنها اثر به جای مانده از ابوبکر ربیع بن احمد الاخوینی بخاری می باشد که در قرن چهارم ه.ق و به زبان پارسی به رشته تحریر در آمده استو از این حیث اولین کتاب پزشکی نوشته شده به زبان پارسی می باشد. تا به امروز تنها سه نسخه از این کتاب گزارش گردیده است که در کتاب خانه های بادلیان آکسفورد، فاتح استامبول و ملک تهران نگهداری می گردد. با بررسی نسخه های کتاب هدایه مشخص می گردد نسخه موجود در کتاب خانه بادلیان نسبت به دو نسخه دیگر کاملتر و از لحاظ زمان نگارش، قدیمتر از دو نسخه دیگر می باشد. این نسخه که در سال ۴۷۸ ه.ق. باز نویسی گردیده، از نظر قدمت سومین نسخه خطی به زبان پارسی بوده است و با توجه به طریقه رسم الخط آن، امکان بررسی نحوه تلفظ کلمات در آن دوره میسر می کند. از دید زبان شناختی، بررسی اثری مربوط به قرن چهارم می تواند اطلاعات بسیاری در مواردی چون شیوه نگارش، رسم الخط، میزان غنای زبان پارس آن دوره در اختیار زبان شناسان قرار دهد. از طرف دیگر با مد نظر قرار دادن این موضوع که تا به امروز بررسی جامعی از نظر علمی در این کتاب صورت نگرفته است، بررسی این کتاب از لحاظ علمی علاوه بر تعیین جایگاه این دانشمند بزرگ در علم تاریخ پزشکی، می تواند با مشخص کردن شیوه های درمان این دانشمند بزرگ، راهگشای تحقیقات جدید در جهت دستیابی به روش درمانی مکمل در طب امروزی باشد. از این رو در این مقاله سعی بر آن است که ضمن معرفی نسخه های موجود این کتاب و مقایسه آن ها، این کتاب را از دیدگاه زبان شناسی و ساختار مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت با بررسی ویژگی های علمی کتاب به بررسی جایگاه علمی این کتاب در اعصار تاریخی بپردازیم.

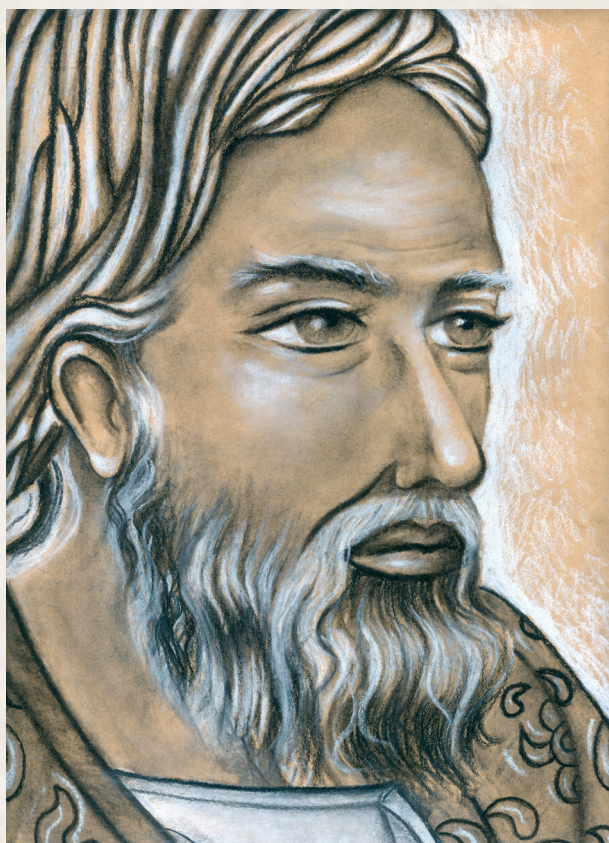
**کلمات کلیدی:** هدایه، هدایه المتعلمین فی طب، اخوینی بخاری، ایران

### مقدمه

ابوبکر ربیع بن احمد الاخوینی بخاری، ملقب به ابو حکیم و ابی بکر، از پزشکان نامدار قرن چهارم هجری قمری است (تصویر ۱). وی از شاگردان ابوالقاسم طاهر بن عمد بن ابراهیم مقانعی رازی است که خود در محضر حکیم بزرگ زکریای رازی تربیت یافته بود<sup>۱</sup>. بنا بر شواهد، اخوینی بیشتر عمر خود را به طبابت سپری کرده و در درمان بیماری های مختلف موفقیت های چشمگیری داشته است تا آنجاییکه به علت موفقیت در زمینه ی درمان بیماران روانی در زمان خود به پزشک دیوانگان مشهور می گردد. این مطلب را اخوینی خود در کتابش ذکر نموده است<sup>۲</sup>.

با وجود اشاره اخوینی به سه اثر دیگر خود به نام های قرابادین، کتاب نبض و کتاب تشریح؛ هدایه المتعلمین فی الطب تنها اثر به جای مانده از این پزشک بزرگ ایرانی است<sup>۳</sup>. وی این کتاب را بنا به درخواست فرزندش برای آموزش علم پزشکی به نوآموزان رشته پزشکی به رشته تحریر در آورده است. باید توجه داشت این اقدام اخوینی در عصری صورت گرفته است که اغلب آثار به تشویق شاهان و امیران و جهت تقدیم به آنان نوشته می شد. اخوینی خود در کتاب به این موضوع اشاره نموده است.





تصویر ۱. تصویر خیالی از اخوینی بخاری (۹۸۳ ب.م. - ۹۴)<sup>۴</sup>

“اکنون توکی فرزند منی اندرخواستی از من کتابی بباب بجمشکی سبک و آسان تا ترا خاصه از من یادکار بود و دیگر مردمان را فایده بود”<sup>۵</sup>. این کتاب که به نامهای هدایه و کناش نیز نامیده شده، اولین متن پزشکی نوشته شده به زبان فارسی است.<sup>۶</sup> نگارش این کتاب به زبان فارسی در قرن چهارم هجری علاوه بر آن که از این حقیقت حکایت می کند که در یک هزار سال پیش زبان پارسی برای نگارش کتابی در علم طب زمینه و قدرت کافی را داشته است، از جهات دیگر نیز مانند تاریخ طب، اسلوب نگارش، لغات علمی پارسی، و شیوه رسم الخط دارای اهمیت می باشد.<sup>۷</sup> این اثر بزرگ، سرشار از ویژگی های منحصر به فردی است که سبب شد آن را تا چندین قرن بعد حتی پس از نوشته شدن آثار مطرحی همچون قانون ابن سینا، کماکان در زمره منابع اصلی جهت آموزش پزشکان به شمار آورند.<sup>۸</sup> متأسفانه به علت عدم ترجمه این کتاب به زبان های دیگر چون عربی و لاتین از یک طرف، و عدم دسترسی عمومی محققین ایرانی به آن تا کنون مورد پژوهش و بررسی کافی قرار نگرفته و ارزش این کتاب از لحاظ علمی و تاریخی تا کنون مشخص نگردیده است. از این رو در این مقاله سعی بر آن است ابتدا به معرفی و بررسی نسخه های موجود از این کتاب پردازیم و سپس با بررسی ویژگی های این کتاب از لحاظ محتوای علمی، شیوه ی نگارش کتاب و نحوه ی رویکرد اخوینی در شناخت و درمان بیماری ها به تعیین جایگاه این کتاب در علم تاریخ پزشکی پردازیم و در نهایت زمینه ساز شروع پژوهش های جدید در مورد این کتاب گردیم.

#### تاریخ تالیف کتاب هدایه

از آنجاییکه در کتاب هدایه و در سایر کتاب هایی که در آنها از کتاب هدایه نام

- 4- Reproduced with permission from Yarmohammadi H, et al, 2013:643-5.
- 5- Akhawayni, 1965:14.
- 6- Khodadoost, 2012: 3.
- 7- Ibid.
- 8- Samraghadi Nezami Arooz, 1954: 109-110.



برده شده به تاریخ تالیف کتاب اشاره ای نشده است، امروزه در مورد تاریخ دقیق نگارش کتاب هدایه اطلاع دقیقی وجود ندارد. استاد مجتبی مینوی برای تخمین تاریخ تقریبی نگارش این اثر و تعیین زمان وفات مولف آن محاسبه ای انجام داده است، به این ترتیب که ایشان با مدنظر قرار دادن این موضوع که اخوینی شاگرد شاگرد رازی بوده، با احتساب دو دوره سی ساله برای اخوینی و استادش ابوالقاسم مقانعی رازی با اضافه کردن عدد ۶۰ به تاریخ وفات رازی تاریخ تقریبی وفات اخوینی را حدود سال ۳۷۳ ق تخمین زده است و با توجه به این موضوع که اخوینی در اواخر عمر اقدام به نگارش کتاب هدایه نموده است تاریخ نگارش این کتاب را چند سال قبل از آن در نظر گرفته است.<sup>9</sup>

با وجود مشخص نبودن تاریخ دقیق تالیف کتاب، شیوه نگارش آن به خوبی حاکی از آنست که این کتاب در قرن چهارم ق نگاشته شده است. این کتاب در ردیف قدیمیترین آثار منثور زبان فارسی قرار دارد.<sup>10</sup>

### نسخه شناسی کتاب هدایه

امروزه سه نسخه دستنویس از کتاب هدایه در دسترس می باشد که در کتابخانه بادلیان آکسفورد، کتابخانه فاتح استانبول و کتابخانه ی ملک تهران نگهداری می گردد.<sup>11</sup> در این قسمت از مقاله به اختصار به معرفی هر کدام از این نسخ میپردازیم.

#### ۱- نسخه بادلیان آکسفورد

قدیمی ترین نسخه موجود از کتاب هدایت که در سال ۴۷۸ هجری (حدود یک قرن بعد از تالیف کتاب اصلی) باز نویسی گردیده است و در کتابخانه بادلیان آکسفورد به شماره ۴۷۸ AH/۱۰۸۵ CE نگهداری می گردد. چارلز ریو برای نخستین بار از این نسخه در فهرستی که وی از کتاب های طبی فارسی موزه انگلستان تهیه کرده بود، نام برد.<sup>12</sup> طریقه رسم الخط این کتاب برگرفته شده از خط معقلی بوده که این شیوه رایج نویسندگان و شعرا در قرن های ۴، ۳، ۵ هجری است. این نسخه دارای ۶۶۱ صفحه ی قطع بزرگ با ابعاد (۲۲×۳۲ سانتیمتر) می باشد.<sup>13</sup>

این نسخه با این جمله آغاز می شود: "بسم الله الرحمن الرحيم سپاس مر ایزد را کی آفرید کار زمی و آسمانست و آفرید کار هرج اندرین دو میان است..."<sup>14</sup> پایان بخش این نسخه جمله ی: "تم الكتاب بهون الله و حسن توفيقه عند السلاخ شهر ربیع الاول من شهر سنه ثمان و سبعین و اربعه مایه، والحمد لله رب العالمین و صلواته علی سید المرسلین محمد المصطفی و اله الطیبین الطاهرین و سلم تسلیما"<sup>14</sup>.

دکتر جلال متینی در حین بررسی نسخه شناسی این کتاب متوجه وجود اضافاتی شد که نویسندگان دیگر به آن افزوده اند. اولین مورد از الحاقات، مطلبی در مورد انواع سموم بوده که در دو صفحه توسط فرزند اخوینی نگاشته شده است. در همین بخش از کتاب فرزند اخوینی علت این امر را بیماری پدر و ناتوانی وی در نوشتن این موضوع بیان میکند که بناچار وی از اساتید دیگر جهت تکمیل کتاب استفاده کرده است.

"از استاد ابوبکر رحمه الله علیه بخواسته بودم تا فصلی دیگر بیارد جداگانه اندر این تا آنچه گفته است مشبع تر بود؛ اجابت کرده بود و لکن نالنده گشت و بتن خویش مشغول گشت و بدین نرسید"<sup>15</sup>.

بخش های دیگری نیز توسط مالکان این کتاب در دوره های بعد به آن افزوده شده است. با توجه به شواهد به دست آمده این نسخه در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در دست طبیبی به نام ابوطالب عبدالله بن محمد بن ابی زید الطیب بوده که او آن را پس از مقایسه با نسخه دیگر برای فرزند خویش انتخاب کرده و نکاتی را به نسخه اضافه کرده و این موضوع را وی به صورت یادداشتی در ابتدای کتاب بیان نموده است. در سال ۱۲۹۷ نیز به دستور فرهاد میرزای معتمد الدوله پسر شاهزاده عباس میرزای نایب السلطنه که این نسخه را در کتابخانه ی خود داشت، نسخه تعمیر و حاشیه نویسی گردیده و بعد از اتمام کار معتمد الدوله اقدام به شماره

- 9- Akhawayni, 1965:497-510.
- 10- Ibid:9.
- 11- Ardalan, 2007: 2.
- 12- Nayernouri, 2011: 1.
- 13- Akhawayni, intro.1965: 46.
- 14- Ibid.
- 15- Akhawayni, 1965:639.



- 16- Akhawayni, intro. 1965: 8-9.  
 17- Keramati, 2001: 3.  
 18- Nayernouri, 2011: 1.  
 19- Akhawayni, intro. 1965: 59-60.  
 20- Nayernouri, 2011: 1-2.  
 21- Akhawayni, intro. 1965: 71.  
 22- Shoja, 2007: 8.  
 23- Akhawayni, intro. 1965: 10.

گذاری صفحات این نسخه کرده است.<sup>16</sup>  
 مطالعه ی طریقه رسم الخط نسخه بادلیان که در آن واژه ها دارای اعراب می باشد، به ما در فهم نحوه تلفظ کلمات در عصر اخوینی کمک می کند و از این جهت اهمیت بسیار دارد. با توجه به تاریخ کتابت این نسخه از کتاب هدایه (۴۷۸ ه ق)، پس از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه ی ابو منصور موفق الدین علی هروی که توسط اسدی طوسی کتابت گردیده (۴۷۷ ه ق) و نسخه شرح تعرف مکتوب (۴۷۳ ه ق) از نویسنده ناشناس، قدیمیترین نسخه فارسی موجود محسوب می گردد.<sup>17</sup>

### ۲- نسخه فاتح استانبول

این نسخه به شماره ی ۵۲۰ ACE/AH ۱۱۲۸ نخستین بار توسط پاول هرن در فهرست مختصری که از کتاب های فارسی محفوظ در کتابخانه استانبول در مجله شرق شناسی آلمان آورده است، معرفی شد. فوهان نیز در فهرستی که از کتاب های فارسی طب جمع آوری نموده است به آن اشاره می کند. این نسخه در سال ۵۱۰ ه ق برای خزانه ی امیر وقت، نوشته شده است.<sup>18</sup>  
 جمله آغازین این اثر: "فی ذکر التحمید و مقدمه الکتاب باب الاول فی التحمید بسم الله الرحمن الرحیم ...." می باشد و با جمله زیر به پایان می رسد: "...از زامیاز از ماه خرداد ماه الملکی و صلواته علی خیر خلقه محمد و ..."<sup>19</sup>  
 این نسخه مشابه نسخه بادلیان بوده و با وجود نامرتب بودن، در مجموع نسخه کامل و خوش خطی می باشد.

### ۳- نسخه ملک تهران

این نسخه گمنام که به شماره ی ۴۵۰۱ که در کتاب خانه ی ملک تهران به نام "کتابی در طب" نگه داری میشد، توسط دکتر جلال متینی شناسایی گردیده است. این نسخه در قرن ۶ هجری در ۲۲۷ ورق ۲۱ سطری به قطع ۱۹,۳×۲۶,۷ سانتی متر، به خطی مابین خط کوفی و نسخ نوشته شده است. در این نسخه چند صفحه اول و آخراز دست رفته است و به نسبت نسخه های دیگر مختصرتر می باشد. در مقایسه زبان شناسی نسخه ها، در این نسخه الفاظ جدیدتری بکار رفته است.<sup>20</sup>  
 جمله ی آغازین این نسخه عبارت است از: "حرارت غریزی گویند گرم و خشک بوذ و قوت هوا گرم و تر بوذ و ..." و در انتها این نسخه با این جمله به اتمام می رسد: "و جزئی دیگر صغیرتر و منفض تر چنانک موج دریا بوذ که از وی آب کاه بلندتر آید و کاه فروذ روذ نواله نواله این نبض نیز برای مثال بوذ که جزوی بزرک بر آید و ... و باز دودی کردد"<sup>21</sup>  
 با در نظر گرفتن غلط های نگارشی و لفظی فراوان این نسخه در مقایسه با نسخ دیگر به نظر می رسد که کاتب یا کاتبان آن در زمان باز نویسی این اثر دقت نظر کمتری صرف نموده اند.

دکتر جلال متینی، استاد زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، در سال ۱۹۶۵ میلادی، پس از مقایسه نسخه های موجود، با محور قرار دادن نسخه بادلیان و انجام تصحیح های لازم با کمک دو نسخه ی دیگر، نسخه ی جدیدی از این کتاب را در سال ۱۹۶۵ چاپ نمودند و بخاطر چاپ آن مفتخر به دریافت جایزه سلطنتی ایران گردیدند.<sup>22</sup>

### ویژگی های زبان شناسی کتاب هدایه

به طور کلی روش نگارش کتاب هدایه شبیه آثار منشور قرون ۴ و ۵ هجری ق می باشد. با توجه به اینکه این کتاب یک متن علمی است در این کتاب اخوینی سعی بر آن داشته است که اکثر جملات کوتاه و مختصر انتخاب شوند و از طرف دیگر کلمات را به گونه ای انتخاب کرده است که جز معنای صریح آنها برداشت دیگری از آن مد نظر نباشد. بنابراین می توان اینگونه بیان کرد که اخوینی مفاهیم طبی را با رعایت اختصار و سادگی که خاص آثار علمی است در کمال سادگی بیان نموده است.<sup>23</sup>



اخوینی در این کتاب از لغات و اصطلاحات علمی پارسی به فراوانی استفاده نموده است. باید توجه نمود که برخی از لغات و ترکیبات علمی فارسی، مانند: آمیختن، باریک، برسو، ناپذیرا که ابوریحان بیرونی و ابن سینا در آثار خود به کار برده اند و تا به امروز قدیمیترین لغات علمی فارسی شناخته می شوند؛ در کتاب هدایه که تاریخ تالیف آن نسبت به آثار این دو دانشمند مقدم تر می باشد، به کار رفته اند.<sup>24</sup>

در برخی موارد اخوینی اقدام به ابداع واژه جدید جهت نامگذاری بیماری و یا علائم نموده است که هدف وی از این اقدام بیان و توصیف دقیق ویژگی بیماری ها می باشد. برای نمونه اخوینی از واژه پورمیز جهت نامگذاری بیماری دیابت استفاده نموده است که این کلمه از ترکیب دو واژه پور به معنی زیاد و میز به معنی ادرار ساخته شده و در کل به معنی پر ادراری است که اشاره به افزایش حجم و میزان دفعات ادرار که ویژگی اصلی این بیماری می باشد دارد. لازم به ذکر است که واژه پورمیز تنها در کتاب اخوینی بیان گردیده است و در آثار دانشمندان دوره های بعد نیز اثری از این واژه دیده نمی شود.<sup>25</sup>

مؤلف در بسیاری از بخش های کتاب به منظور کاهش میزان اشتباه خوانندگان، نام اعضای بدن، دارو و بیماری را به فارسی، به عربی و در برخی موارد به یونانی آورده است. در برخی موارد نیز اگر در عصر وی هم زمان، برای یک دارو یا بیماری از چند نام مختلف استفاده می شده است، تمامی آن نام ها را بیان می کند. برای نمونه می توان به دو نمونه زیر اشاره نمود:

"یکی کیا بوذ او را بتازی عکرش گویند و بیونانی اقطی و بپارسی شور کومه"<sup>26</sup>.  
 "اگر بخورذ از این داروها با آب عصالراعی و منفعت این کیا آنجا بزرگ است و بسیار جاهای دیگر، این را عصالراعی گویند و عنوب الراعی گویند نیز شبان دارو گویند و بطباط گویند و این نامهای وی بود تا تو را غلط نیفتد"<sup>27</sup>  
 با وجود نوشته شدن کتاب به زبان پارسی تاثیر زبان عربی در نشر کتاب هدایه در بسیاری از بخش های کتاب به خوبی مشهود است. برای نمونه اخوینی در بسیاری موارد از جمع های عربی و کلمات تنوین دار استفاده نموده است. عنوان بیشتر فصل ها به زبان عربی بوده، و مؤلف بسیاری از اصطلاحات اختصاصی علمی مانند نام بیماری را به زبان عربی بیان نموده است.

### بررسی ساختار کتاب هدایه

کتاب دارای سه قسمت و در مجموع دویست باب است. در قسمت اول که حاوی مجموعاً ۵۱ باب است پیرامون عناصر، مزاج ها، خلط ها، اعضای مفرد و مرکب بدن و موضوعاتی نظیر نیرو، اعمال، ارواح، غذا و مایعات صحبت می کند. قسمت دوم دارای ۱۳۰ باب درباره ی بیماری ها و درمان آنها می باشد که به صورت جزئی و به افتراق از قسمت سر تا پا طبقه بندی شده است. در این قسمت باب هایی نظیر حرق النار، علاج قروح و جراحات و انواع سموم نیز آمده است. در قسمت سوم ۱۹ باب پیرامون انواع مختلف تب، ادرار، بهداشت، و انواع نبض صحبت شده است.<sup>28</sup>

اخوینی بر حسب تسلط بیشتر خود در برخی زمینه ها، آنها را با تفصیل بیشتری در کتاب آورده است. برای نمونه وی به علت تسلط فراوان بر مباحث اعصاب و روان، این بخش را با جزئیات بیشتری در کتاب آورده است.<sup>29</sup> یکی دیگر از مباحثی که اخوینی در کتاب به صورت مفصل به آن پرداخته است، بیماری های کبد و گوارش می باشد که بیش از صد صفحه از کتاب را به خود اختصاص می دهد.<sup>30</sup>

دقت نظر و توصیف دقیقی که اخوینی در بیان آناتومی اعضای بدن داشته است سبب گردیده است تا برخی از پژوهشگران بر این عقیده باشند که وی در زمان حیات خویش به تشریح انسان و سایر حیوانات پرداخته است.<sup>31</sup>  
 توضیحاتی که اخوینی در باب زخم ها و مبحث نبض بیان نموده است، نیز در زمان خود بدیع و کامل می باشد.<sup>32,33</sup>

- 24- Ibid:15-16.
- 25- Khodadoost, 2012: 5.
- 26- Akhawayni, 1965: 457.
- 27- Ibid: 528.
- 28- Khodadoost, 2012: 4-5.
- 29- Yarmohammadi, 2013: 2-3.
- 30- Khodadoost, 2012: 5.
- 31- Yarmohammadi, 2013: 2-4.
- 32- Khodadoost, 2012: 5.
- 33- Ibid.



## ویژگی های برجسته علم پزشکی در کتاب هدایه

اولین نکته قابل توجه در مورد ویژگی کتاب هدایه، دانستن این موضوع است که کتاب هدایه المتعلمین فی الطب همانطور که از نامش برداشت می گردد، مرجعی راهبردی (Guide Line) در دانش پزشکی محسوب می گردد. زیرا همانطور که اخوینی در کتاب به آن اشاره نموده است، این کتاب با هدف آشنایی و آموزش آسان مطالب راهبردی به دانشجویان پزشکی نوشته شده است.<sup>34,35</sup> این مطلب با مقایسه این کتاب با کتب پزشکی مرجع (Text Book) آن دوران مانند کتاب الحاوی رازی و قانون فی طب ابن سینا به خوبی مشهود می گردد. با مطالعه کتاب الحاوی می توان به خوبی با یک کتاب مرجع آن دوران آشنا گشت. رازی در هر بخش از کتاب ابتدا نظریات پزشکان قبل در مورد علل ایجاد، پیش آگهی، سیر بیماری و درمان آنرا، مطرح می کند و سپس نقاط ضعف و قدرت پزشکان و دیدگاه خود را در مورد بیماری بیان می کند؛ و به این ترتیب دانشجوی پزشکی، در حین آشنایی با نظریات گوناگون با چگونگی تشخیص و درمان بیماری آشنا می گردد. این در حالیست که در کتاب هدایه، به صورت مختصر به بیان علت بیماری پرداخته شده است و بیشترین حجم کتاب به چگونگی تشخیص، علائم اصلی و درمان بیماری ها اختصاص دارد.<sup>36,37</sup>

با بررسی کتاب هدایه به روشنی مشخص می گردد که اخوینی با دانش پزشکی و دیدگاه دانشمندان بزرگ قبل از خود آشنایی کامل داشته است چنان که در کتاب خود از آرا و نظرات پزشکان بزرگی مانند بقراط<sup>38</sup>، جالینوس<sup>39</sup>، حنین ابن اسحاق الکندی<sup>40</sup>، ثابت ابن قره<sup>41</sup> عیسی بن صهار بخت<sup>42</sup>، ابن سربینون<sup>43</sup>، رازی<sup>44</sup> و کتاب هایی مانند اپیدمیا<sup>45</sup>، فصول<sup>46</sup>، نوادر تقدمه المعرفه<sup>47</sup>، ترکیب العین<sup>48</sup>، منصوروی<sup>49</sup> بهره برده است.

با این وجود وی در اثر آموزش در مکتب رازی، شدیداً پایبند به اصول رازی مبنی بر تجربه و تحقیق و آزمایش روش های علمی، قبل از پذیرش آنها می باشد. بنابراین وی در کتاب به ندرت آراء پزشکان مشهور را بدون آنکه خود آزموده باشد نقل می کند. در این موارد نیز وی ضمن تفکیک نظرات سایر پزشکان از مشاهدات و تجربیات خود، توصیه به در نظر گرفتن جانب احتیاط در استفاده از آنان می کند که در برخی از این موارد به خواننده پیشنهاد آزمون این روش های درمانی را می دهد تا با این اقدام نتیجه ی به کار بستن دارویی که خود امتحان نکرده را به عهده نگرفته باشد<sup>50</sup>. این مطلب را خود اخوینی در بخشی از کتاب خطاب به فرزندش بیان می کند "ولکن من تو را آن چیز ها گفتم بدین کتاب کی من آزموده ام مگر آنچه چیزی که گویم فلان چنین می گوید آن نیازمده بوم این بدان گفتم تا تو را غلط نیفتد"<sup>51</sup>. این ویژگی شخصیتی اخوینی سبب گردید تا وی در مواردی که نظرات پزشکان بزرگ مغایر با تجربیاتش بوده است، در کتاب با بیانی قاطع و صریح آن ها را رد کند. برای نمونه وی در برخی موارد با وجود تأثیر پذیری فراوان از دیدگاه های رازی نظرات استاد خود را رد نموده است. به عنوان نمونه وی علت ایجاد سکنه را انسداد عروق مغز در اثر رسوب مواد زائد خلط صفراوی دانسته است که سبب قطع خونرسانی می گردد و این بخش از دیدگاه رازی را مبنی بر ایجاد سکنه در اثر ضربه به سر و خونریزی را رد می کند<sup>52</sup>. او همچنین بعضی از نسخه های رایج زمان خود را نقض می کند. برای نمونه او درباره ی اثر درمانی دارو هایی نظیر (مازیرون) و (کلکلانه) که در آن زمان مورد ستایش بودند، نظر کاملاً متفاوتی را ارائه کرد و بیان می کند از تجویز این دارو فایده ای حاصل نمی شود<sup>53</sup>. از این باب در کتاب مثال های متعددی وجود دارد.

اخوینی اگر در معالجه بیماری ناتوان می گشت آنرا در کتاب خود ذکر می کرد. چنانکه در باب بیماری استقسا (زیاده طلبی آب) بیان می کند که با وجود موفقیت در درمان بیماری لحمی (ورم صورت و بیضه)، در درمان بیماری زقی (ورم شکم) ناکام مانده است<sup>54</sup>.

دقت نظر و نکته بینی اخوینی تا آنجاست که در مواردی وی حتی به تعدد میزان استفاده کردن داروها در درمان بیماری ها اشاره می کند تا خواننده بداند که تأیید و یا رد عملکرد یک دارو از سوی وی بر پایه ی چه میزان آزمون است<sup>55</sup>. برای نمونه می توان به استفاده مکرر داروی اکلیل الملک در درمان هموروئید اشاره

- 34- Akhawayni, 1965: 14.  
35- Sajadi, 2012: 976-980.  
36- Avicenna, 1991.  
37- Rhazes, 1962.  
38- Akhawayni, 1965: 607.  
39- Ibid: 593.  
40- Ibid: 419.  
41- Ibid: 167.  
42- Ibid: 419.  
43- Ibid: 440.  
44- Ibid: 395.  
45- Ibid: 331.  
46- Ibid: 702.  
47- Ibid: 751.  
48- Ibid: 275.  
49- Ibid: 417.  
50- Khodadoost, 2012: 6.  
51- Akhawayni, 1965: 587.  
52- Ibid: 254.  
53- Akhawayni, intro. 1965: 14.  
54- Akhawayni, 1965: 452.  
55- Khodadoost, 2012: 6.



نمود<sup>56</sup>.

در مواردی اخوینی با الگو گرفتن از استاد خود رازی به گزارش برخی بیماران نادر و روند بیماری آنان پرداخته است که در علم امروز به این کار (case report) می گویند. برای نمونه در جایی از کتاب وی گزارشی از یک مورد بیماری می دهد که فرد مبتلا به مدت طولانی ادرار سیاه دفع می نموده است<sup>57</sup> و یا در جایی دیگر از درمان بیمار مبتلا به مالیخولیا به روش خاص به مدت سی سال سخن می گوید<sup>58</sup> در باب (برص) نیز وی به رنج سه ساله ی خود در معالجه زنی اشاره می کند<sup>59</sup>.

نکته ی منحصر به فرد دیگر در کتاب هدایه، ابتکارات و اختراعات اخوینی در درمان بیماری ها و مسائل طبی است. از مثال های آن تقریباً ده نوع دارویی است که خود ترکیب کرده و به نام خود در کتاب آورده است. برای نمونه می توان به حبی<sup>60</sup> اشاره نمود که اخوینی برای درمان بیماری نقرس به مدت بیست سال تجویز نموده است. از جمله دیگر از ابداعات اخوینی می توان به ساخت وسیله ای از شاخ گاو، جهت دادن غذا و دارو به برخی بیماران روانی، و کشف نمودار تب جهت افتراق انواع بیماری های تب دار اشاره نمود<sup>61</sup>.

دقت نظر و نکته بینی اخوینی سبب موفقیت فراوان وی در توصیف دقیق بیماری ها و روش های تشخیصی آن شده است که در بسیاری موارد با علم امروز هم خوانی دارد. برای نمونه وی کاهش سطح هوشیاری، خروج کف از دهان و عدم به یاد آوردن وقایع در حین تشنج را از علائم اصلی تشنج بیان نموده که در بیماری خناق الرحم (هیستری) دیده نمی شود<sup>62,63</sup>. گزارشات دقیق اخوینی در مورد شبکه عروقی تغذیه کننده مغز و نحوه ی عملکرد قلب را می توان به عنوان یکی از اولین توصیفات دقیق حلقه ویلیس و گردش خون ریوی به شمار آورد.<sup>64,65</sup>

### جایگاه علمی کتاب هدایه در اعصار گذشته

کتاب هدایه در زمان نگارش خود توسط دانشمندان و پزشکان به زبان عربی ترجمه شد اما هرگز به لاتین ترجمه نشد. ویژگی های منحصر به فرد کتاب هدایه، سبب شد تا این اثر تا دویست سال بعد از نگارش آن توسط اخوینی در زمره ی کتب مرجع پزشکی قرار گیرد. تا آن حد که نظامی عروضی در قرن ۶، دو قرن بعد از تالیف هدایه در زمانی که کتاب های پزشکی بزرگی نظیر قانون بسیار شناخته شده بودند، در کتاب چهارم مقاله از کتاب هدایه در کنار کتب نظیر ذخیره ثابت بن قره، منصور بن محمد بن ذکریای رازی و اغراض سید اسمعیل جرجانی به عنوان یکی از چند منبع اصلی جهت آموزش و یادگیری پزشکی برای دانشجویان این رشته نام برد اخوینی در کتاب خود نظرات و پیشنهادات دانشمندان و پزشکان قبل از خود را مطرح می کرد. همچنین نتایج شکست و موفقیت خود را در درمان بیماری ها بیان می کرد. به همین سبب نظامی عروضی در کتاب خود از هدایه به عنوان مرجعی قابل حمل با حجم کوچک که هر زمان پزشک بر بالین بیمار حاضر شود میتواند از آن استفاده کند، یاد میکند. متن کتاب هدایه عمدتاً بر مبنای تجربیات اخوینی است و به صورت تعلیمی تهیه نشده است اما در عمق شیوه های پزشکی دوره ی زرتشتیان قدیم و یونانیان رفته است.<sup>66,67</sup>

در اوایل قرن ۸ نیز پزشکی به نام ابوطالب عبد الله بن ابی زید الطیب در صحت آموخته های علمی این اثر چنان می گوید که در بسیاری موارد در معالجه بیماری ها به کتاب هدایه رجوع می کرده و دیگر آنکه هر چه را از این کتاب تجربه کرده خطابی را در آن مشاهده نکرده است<sup>68</sup>. در عصری که زبان عربی زبان علمی رایج بوده است، فارسی بودن زبان کتاب هدایه و از طرفی امتناع اخوینی از تقدیم این اثر فاخر به دربار امیر وقت، که خود منجر به کم بودن تعداد نسخ در دسترس کتاب هدایه می شد، در نهایت منجر به دور افتادن این اثر از دید پزشکان گردید و سبب شد در گذر زمان و تا به امروز این اثر محجوب بماند.

### نتیجه گیری

هدایه المتعلمین فی طب تنها اثر به جای مانده از اخوینی است که به زبان پارسی دری در قرن چهارم نوشته شده است. تقریباً تمام اطلاعات ما از زندگی

56- Akhawayni, 1965: 420.

57- Ibid: 694.

58- Ibid: 246.

59- Ibid: 594.

60- Ibid: 561.

61- Akhawayni, intro. 1965: 11.

62- Akhawayni, 1965: 540-545.

63- Yarmohammadi et al, 2013a.

64- Yarmohammadi et al, 2013b.

65- Yarmohammadi et al, 2013c.

66- Nayernouri, 2011: 1.

67- Samraghadi Nezami Aroozii,

1954: 109-110.

68- Akhawayni, intro. 1965: 11.





و شخصیت او مربوط به همین کتاب است. هدایه المتعلمین فی طباولین کتاب پزشکی نوشته شده به زبان پارسی است. در زمانی که بیشتر آثار علمی به تشویق پادشاهان نوشته می شدند، اخوینی کتاب هدایه را با جملاتی کوتاه و ساده با هدف آموزش پزشکی به مبتدیان و به خصوص فرزند خود نوشته است. امروزه سه نسخه بازنویسی شده از این کتاب در دسترس می باشد. قدیمیترین نسخه در موزه بادلیان دانشگاه آکسفورد قرار دارد که در سال ۴۷۸ ه ق بازنویسی گردیده است و از نظر تاریخی سومین متن فارسی موجود می باشد. بررسی این کتاب از دو جهت حائز اهمیت می باشد. از حیثه ی زبان شناختی، بررسی اثری مربوط به قرن چهارم می تواند اطلاعات بسیاری در مواردی چون شیوه نگارش، رسم الخط، نحوه تلفظ الفاظ در اختیار زبان شناسان قرار دهد. از طرف دیگر بررسی علمی این کتاب علاوه بر دستیابی به روش های درمانی، که می تواند در علم امروز راهبردی باشد و ما را در تعیین جایگاه بلند این دانشمند بزرگ در شکل گیری تاریخ پزشکی یاری کند.

### References

- Akhawayni. [*Hedayat Al Motaallem in Fil Teb*]. Matini J, editor. Mashhad: Mashhad university press; 1965.
- Ardalan MR, Shoja MM, Tubbs RS, Eknayan G. Diseases of the kidney in medieval Persia the--Hidayat of Al-Akawayni. *Nephrol Dial Transplant*. 2007;22(12):3413-21
- Golzari SE, Khodadoust K, Alakbarli F, Ghabili K, Islambulchilar Z, Shoja MM, et al. Sleep paralysis in medieval Persia - the Hidayat of Akhawayni (?-983 AD). *Neuropsychiatr Dis Treat*. 2012;8:229-34.
- Ibn-Sina. [*Al-Qanun Fit-Tibb*]. Translated by Abdurrahman Sharafkandi. Vol.4. Tehran: Soroush. 1991. [in Persian]
- Keramati Y. Investigation of sources of *Hedayat Al Motaallem in Fil Teb*. Islamic encyclopedia center. 2001:177-84.
- Khodadoost K, Bateni G, Khalili M, Ardalan M, Mohjal Shoja MA. A discourse on the life and works of Abubakr al-Akawayni al-Bokhari. *Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine*. 2012;5(3):1-9.
- Nayernouri T, Azizi MH. "History of Medicine in Iran The Oldest Known Medical Treatise in the Persian Language." *Middle East Journal of Digestive Diseases*. 2011: 74-78.
- Rhazes (Mohamad Bin Zakarya al Razi). [*Alhawi Fitteb*]. Vol. 11. India, Hyderabad: Osmania University; 1962.
- Sajadi MM, Bonabi R, Sajadi MR, Mackowiak PA. Akhawayni and the first fever curve. *Clin Infect Dis*. 2012;55(7):976-80.
- Samraghadi Neẓāmi Aruẓi. [*Čahār Maqāla* [Four Discourses]]. Mo'in Med. Tehran: Tehran University Press; 1954: 109-10. [in Persian]
- Shoja MM, Tubbs RS. The history of anatomy in Persia. *J Anat*. 2007;210(4):359-78.
- Yarmohammadi H, Dalfardi B, Ghanizadeh A. Al-Akhawayni Bukhari (?-983 AD). *Journal of Neurology*. 2013; 261(3):643-5.
- Yarmohammadi H, Dalfardi B, Ghanizadeh A. Joveini (Al-Akhawayni) and the early knowledge on circle of Willis. *Int J Cardiol*. 2013; 168(4):4482.
- Yarmohammadi H, Dalfardi B, Rezaian J, Ghanizadeh A. Al-Akh-



awayni's description of pulmonary circulation. *Int J Cardiol.* 2013; 261(3):643-645.

